

امور را مطالبه نموده و برای تحقق آن و خروج از شعاری شدن آن، سازوکارهای تشویقی و تنبیهی را تعبیه نماید.

راهکار ورود مردم

حال سؤال اساسی اینجاست که چگونه می‌توان از توانمندی مردم بهره برد؟ چگونه می‌توان لشکر عظیم مردم و به‌ویژه جوانان را وارد میدان نمود؟ برای بهره‌گیری از ظرفیت عظیم مردم، آیا نهادهای حاکمیتی و حکمرانی باید به صورت مستقیم با آحاد جامعه مرتبط شوند؟ یا آن‌که باید مجموعه‌های تسهیل‌کننده‌ای وجود داشته باشند که به عنوان رابط یا همزه وصل بین مردم و حاکمیت، نقش آفرینی نمایند؟

در این راستا باید گفت، «منطق کنش اجتماعی»، حکایت از آن دارد که برای به میدان آوردن مردم، لازم است که بخشی از جامعه به مثابه پیشران حرکت‌های اجتماعی وارد عمل شوند و زمینه را برای نقش آفرینی مردم فراهم نمایند. این قشر اجتماعی در ادبیات رهبر انقلاب، تحت عنوان «حلقه‌های میانی» نامبرده شده است. عملاً تعامل بین مردم و حاکمیت، از طریق همین قشر، تنظیم خواهد شد. تجربه نشان داده است که هرگاه این قشر، فعالانه وارد میدان شده‌اند، جمعیت بیشتری از جامعه را با خود همراه می‌نمایند و هر زمان منفعلانه رفتار نموده‌اند، جامعه نیز به سمت کمرختی و سستی حرکت کرده است. رهبر انقلاب در دیدار ۱۳۹۸ در خصوص نقش حلقه‌های میانی فرمودند: «در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محل بحث ما اینجاست. آنچه شما سؤال می‌کنید، یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است، همین است که بالاخره راهکار عملی برای این‌که ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست. خب این چهار عنصری که گفتیم، همه این‌ها، که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این مورد آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای این‌که بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه، جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام‌کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبدیلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد». به‌طور شفاف، وظیفه اصلی جریان‌های حلقه‌های میانی در بیانات رهبر انقلاب آمده است. از یک سو، این قشر اجتماعی ضمن برقراری ارتباط با مردم و جوانان، باید حرکت‌های خودجوش مردمی و فعالیت‌های فراوان کارگروه‌های مسئله‌محور را هدایت نمایند و از همین طریق، ظرفیت‌ها و کاستی‌های جامعه را به حاکمیت منتقل نماید و از سوی دیگر، ضمن ارتباط هدفمند با حاکمیت، باید مسائل حاکمیت را درک نموده و به مردم منتقل نمایند و با این روش، موجب ارتباط بین حاکمیت و مردم خواهند شد؛ لذا برای ورود هدفمند مردم، لازم است که حلقه‌های میانی شکل گرفته یا اگر موجود می‌باشند، باید تقویت شوند.

در این نوشتار، مختصات مردمی دولت سیزدهم مطرح شد. عملاً در این یادداشت، سطوح حکمرانی مردمی ارائه گردید. اشاره شد که اگر قرار باشد مفهوم جمهوریت (به صورت کامل و جامع) در سطوح مختلف حکمرانی، ساری و جاری شود، آن‌گاه باید خلاءهای شکل‌گیری دولت مردمی شناخته شود. به اعتقاد نویسنده، این خلاءها در سه سطح قابل بررسی است: در سطح کلان حکمرانی، باید مفهوم جمهوریت در میان مسئولان نهادینه شود، در سطح حلقه‌های میانی می‌بایست انتخاب‌کارگزاران از طریق جریان‌های حلقه‌های میانی صورت پذیرد و در سطح جامعه نیز نظارت مردم بر مسئولان باید محقق شود.^۱